

آژاکس سوفکل در جهان معاصر

شترق؛ در آثار کلاسیک موضوعات و مسائل جهان‌شمول به‌گونه‌ای طرح شده‌اند که گذشت زمان نتنها آنها را از اعتبار نمی‌اندازد بلکه می‌توان با رجوعی مدام بیه آنها هربار چیزی تازه از متن آنها بیرون کشید. رابرت اولتا در کتابی با عنوان «آژاکس» اقباسی نو از این نمایش‌نامه مشهور سوفکل به دست داده و نگاهای مدرن و امروزی به این نمایش‌نامه کلاسیک متعلق به یونان باستان اثری امروزی نوشته است. این اثر به‌تازگی با ترجمه عباس اکبری در نشر نیلوفر به چاپ رسیده است. اولین اجرای نمایش‌نامه «آژاکس» در آتن به سال ۴۴۴ قبل از میلاد رخ داد. از آن زمان تاکنون، بارها این اثر به زبان‌های روز جهان ترجمه و اجرا شده است. در زبان یونانی، نام شخصیت اصلی این نمایش آیاس یا ایاک یا آی‌ای به معنی مویه و زاری است و های‌های گریه زبان فارسی را به ذهن متبادر می‌کند. در ترجمه انگلیسیی از زبان یونانی، آیاس به آژاکس تبدیل شد و به همین نام مشهور ماند. رابرت اولتا، نمایش‌نامه‌نویس آمریکایی، این شخصیت اسطوره‌ای را به زمان معاصر آورده و او را به‌عنوان یکی از فرماندهان ارتش آمریکا در جنگی

با آمریکای لاتین پرداخت کرده و به این ترتیب، اقباسی نو از اثر سوفکل را رقم زده است. داستان نمایش‌نامه «آژاکس» سوفکل بعد از مرگ آشیل، پهلوان بزرگ اساطیر یونان، اتفاق می‌افتد. ماجرا از این قرار است که وقتی آشیل می‌میرد، آژاکس، یکی دیگر از دلاوران اساطیر یونان، به‌واسطه رشادت‌هایی که در جنگ به خرج می‌دهد، توقع دارد زره آشیل، که در حکم بازوبند پهلوانی کشور است، به او داده شود. زره را اما به‌دسیسه، به منلائوس می‌دهند و آژاکس از این موضوع خشمگین می‌شود و درصدد انتقام برمی‌آید. همان‌طورکه اشاره شد، رابرت اولتا در اقتباس خود از نمایش‌نامه سوفکل همان داستان سوفکل را گرفته و به متن روزگار معاصر آورده و البته به‌اقتضای زمانه تغییراتی در آن داده است. آژاکس در کتاب «آژاکس» رابرت اولتا یک فرمانده نظامی ارتش آمریکاست؛ فرماندهی که در جنگ با آمریکای لاتین حضور دارد. در روایت آژاکس اولتا دعوا بر سر غنایم جنگی است. کتاب «آژاکس» با یادداشتی از خود رابرت اولتا درباب اقتباسش از نمایش‌نامه «آژاکس» سوفکل همراه است. او در بخشی از این یادداشت نوشته: «از

شگفتی‌های آژاکس سوفکل حساسیت آن نسبت به زمان ماست. به عبارتی، آماده انطباقی زنده و وحشت‌آفرین است. به یاد دارم اولین‌بار که پیتر سلرز از من پرسید که آیا علاقه‌ای به تهیه نسخه‌ای امروزی از آژاکس در صحنه‌ای مقابل پناگون دارم یا نه، دهنم مغشوش شد. بی‌تردید، می‌توان گفت که جنگجویان یونان قدیم همین فرماندهان آمریکایی امروز هستند. آژاکس روح زنده فرماندهان ما و تجسم خشم و قدرت و جاه‌طلبی آنهاست. می‌توان آنها را در میدان زره با لباس‌های جنگی، با پوتین چتربازی یا کلاه سبز امروزی دید. آدم می‌داند که کجا به مدرسه رفته‌اند؛ همسران و دوست‌هایشان چه قیافه‌ای دارند و می‌توان آنها را در بالگردها دید که تجاوزکارانه هوای پیرامون را می‌شکافند و پیش می‌روند. چه تفاوتی است میان کشتی‌هایی که رو به ترو می‌رانند و زیردریایی‌های سه‌دماغه‌ای که یخ‌های سطح دریا را می‌شکافند و گشت می‌دهند؟ فکر درونی هر دو پیوسته یکی است، فقط فناوری تغییر کرده است». آن‌طورکه مترجم کتاب در پیش‌گفتارش توضیح داده، رابرت اولتا نمایش‌نامه‌نویس و استاد نمایش‌نامه‌نویسی است که در سال

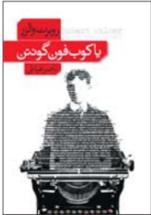


مدام شهر و خانه عوض می‌کرد. والزر در دوران میانسالی یعنی در حدود ۵۰سالگی به توهم دچار شد و و در اینجا برای اولین بار در آسایشگاه روانی بستری شد. او عمده آثارش را در روزنامه‌ها و نشریات سوئیس و آلمان منتشر می‌کرد، اما با ظهور نازی‌ها مثل خیلی دیگر از نویسندگان و شاعران این امکان را از دست داد. او در سال ۱۹۳۳ بار دیگر به آسایشگاه روانی رفت و تا پایان عمر در آنجا ماند. او بیش از دو دهه در آسایشگاه بود و در این سال‌های طولانی دیگر چیزی ننوشت.

زندگی و شخصیت کافکا و والزر بی‌شباهت به هم نبوده است. هر دو در سراسر عمرشان مجرد ماندند و در زمان حیاتشان به موفقیت زیادی دست نیافتند و همچنین هر دو عادتی مشابه در راهپیمایی‌های طولانی چندساعته داشتند. «محاکمه» کافکا و «یاکوب فون گوتن» والزر شباهت‌های ساختاری با هم دارند و می‌توان گفت کافکا هنگام نوشتن «محاکمه» به این رمان والزر توجه داشته است. والزر در روایت «یاکوب فون گوتن»، هم نشانی از دبینی زمانه‌اش را به‌جا گذاشته و هم به افسانه‌پردازی و رؤیازدگی روی خوش نشان داده است. بااین‌حال او با طنزی درخشان به واقعیت‌های اجتماعی اطرافش طعنه زده است.

«یاکوب فون گوتن» به همراه «بچه‌های تان» و «دستیار» سه‌گانه والزر را تشکیل می‌دهند. «دستیار» نیز با ترجمه ناصر غیانی و همچنین ترجمه علی‌اصغر حداد به فارسی منتشر شده و «بچه‌های تان» نیز اخیرا با ترجمه علی عبداللهی به چاپ رسیده. «بچه‌های تان» روایتی است از

زندگی سیمون تانر و ارتباط و مناسبات او با برادران و خواهرش به نام‌های کلاوس، کاسپار و هدیگ. سیمون شخصیتی قابل توجه با افکار و زندگی‌ای مختص به خود است. پیکره اصلی رمان به روابط او با برادران و خواهرش مربوط است، اما جز این، خاطراتی نیز از برادر دیوانه‌اش با نام امیل، مادر روان‌ساخته‌ای که مرده و پدرش نیز در رمان طرح می‌شود. در روایت رمان، صاحبان کار، صاحبخانه‌ها، زنان و دوستان سیمون هم حضور دارند. رابطه سیمون با بسیاری از اینها رابطه‌ای غریب همراه با تعلیق و انتظار است. سیمون آدم یک‌لایه‌ای است که مدام باید همه‌چیز را از نو شروع کند و هر بار پس از مدتی کوتاه به نقطه صفر بازمی‌گردد. رمان با صحنه‌ای آغاز می‌شود که سیمون وارد یک کتاب‌فروشی می‌شود و به‌گونه‌ای که مختص به خود اوست از مدیر کتاب‌فروشی تقاضای شغل می‌کند. او می‌گوید عاشق کتاب‌فروشی است و مدیر آنجا را مجاب می‌کند که او را استخدام کند. مدیر می‌پذیرد به شرط آنکه او چند روزی را به صورت آزمایشی در آنجا کار کند. پس از مدتی سیمون ناگهانی و یکباره زهر می‌چیز می‌زند و آنجا را ترک می‌کند. سیمون در هیچ‌جایی قرار نمی‌یابد و مدام میان شغل‌های مختلف در گردش است.



یاکوب فون گوتن

روبرت والزر
ترجمه ناصر غیانی
نشر نو

تاریخ تباهی

شترق: «رنگ کبود نمناک دامنه‌های کوه به آسمان منعکس می‌شد. صبح‌ها، خطوط درخشان باریکی به رنگ‌های زرد و آبی و طلایی در دل این رنگ‌بود پخش می‌شد، از طرفی، بوی اسب هم به باد صبحگاهی آمیخته از رایحه‌های گل‌ها افزوده می‌شد. صدای کلفت نگهبانان کازاک که تلاش می‌کردند آن را به یخ‌پچه بدل کنند و مخفی سازند، به همراه خش‌خش لباس‌های خدمتکاران جوانی که در تراس مشرف به دامنه‌ها میز صبحانه را آماده می‌کردند به گوش می‌رسید. خسروبیگ -از پنج‌سالگی به‌جز پدرش همه او را چنین خطاب می‌کردند- صبح‌ها با این صداها و رنگ‌ها بیدار می‌شد». این آغاز رمانی است با عنوان «تاریخ خاص تنهایی» از احمد آلتان که به‌تازگی با ترجمه علیرضا سیف‌الدینی در نشر نو منتشر شده است. احمد خسرو آلتان نویسنده، روزنامه‌نگار و رمان‌نویسی است که در سال ۱۹۵۰ در آنکارا متولد شد. او در رشته اقتصاد تحصیل کرده و اولین اثر ادبی‌اش را در ۲۷سالگی نوشت که نمایش‌نامه‌ای با دو شخصیت بود. آلتان سپس در سال ۱۹۸۲ رمانی با عنوان «هر چهار فصل، پاییز» را نوشت که با اقبال خوبی روبه‌رو شد. این رمان دیگر او با نام «ردی بر آب» سر‌نوشت عجیبی پیدا کرد؛ این اثر پس از انتشار در صدر فهرست پرفروش‌ها قرار گرفت و در هفته اول به چاپ دوم رسید و در مدت سه ماه، ۹ بار و در مجموع در ۴۵ هزار نسخه تجدیدچاپ شد. اما ۹ ماه بعد کتاب بر اساس حکمی که صادر شده بود، جمع‌آوری شد. محاکمه دو سال طول کشید و دست آخر دادگاه رای به ازبین‌بردن کتاب داد. اما سپس حکم تغییر کرد و بنا شد رمان پس از انجام تغییرات و اعمال سانسور دوباره منتشر شود.

احمد آلتان تا امروز آثار زیادی منتشر کرده که برخی از آنها بسیار پرفروش بوده‌اند و برخی جوایز متعددی به دست آورده‌اند. در این میان، «تاریخ خاص تنهایی» رمانی است غافلگیرکننده و قابل توجه؛ تاریخ زندگی انسان‌هایی است عاصی و دورمانده از عشق. در این رمان، خسروبیگ که زمانی از اعضای اتحاد و ترقی بود و در برهه‌ای از زندگی کشتن را جایگزین عشق‌ورزی کرد، سرانجام در آخرین روزهای عمر با ترس و حیرت به عشق رو می‌کند، اما دیگر دیر شده است. زمین همواره عشق را می‌جوید اما وقتی مردی به خاطرش رنج می‌کشد، او را ترک می‌کند، چون معتقد است هر عشقی تاریخ خاص خود را دارد؛ تاریخی که با جنگ، شکست، رنج، ویرانی و آتش‌بسی پیش می‌رود. این تاریخ خاص مانند آنچه مورخان می‌نویسند، همواره آکنده است از درد و تباهی؛ تاریخی است که شادی‌ها را نادیده می‌گیرد. از سوی دیگر، مُبرا شخصیتی

است که با وجود تمنای عشق، همیشه احساسات خود را پنهان و سرکوب کرده و با رفتارهای آسنانی است او بی‌مهری دیگران ربه دوران کهنوت رسیده است و در نهایت، بهایی پس گران می‌پردازد. خسروبیگ تاجر عمده‌فروشی که در خانه‌ای سنتی با فرهنگ مردسالارانه که تداعی‌کننده فرهنگ سنتی ترکیه‌ای است- زندگی می‌کند، هر روز با بوی اصطبل اسب‌ها که آمیخته به رایحه گل‌ها است و صدای خش‌خش لباس خدمتکارانی که میز صبحانه را می‌پیدند بیدار می‌شد. خسروبیگ را از پنج‌سالگی همه به این اسم صدا می‌کردند به‌جز پدرش که خیلی میانه خوبی با او نداشت. خسروبیگ با مادر، خواهر، پدسر و برادر کوچکش علی زندگی می‌کند و صبحانه‌خوردن را مانند شکرچهای او صبح تحمل می‌کند. او این را به وضوح می‌دانست که انسان‌های مغموم همیشه منتظر چیزی هستند، چون خود او همیشه منتظر چیزی بود. اما نمی‌توانست این را درک کند که آیا



۱۹۴۰ در نیویورک متولد شده است. او تاکنون ده‌ها نمایش‌نامه نوشته که همگی اجرا شده‌اند و سپس به صورت کتاب یا در نشریات مختلف به چاپ رسیده‌اند. اقتباس از نمایش‌نامه‌های کلاسیک و قراردادن شخصیت‌های اسطوره‌ای در دنیای معاصر با موقعیت‌های مشابه از علایق اوست و این کاری است که در همین کتاب «آژاکس» انجام داده است. سوفکل یکی از سه نمایش‌نامه‌نویس بزرگ یونانی است که اگرچه بیش از ۱۲۰ نمایش‌نامه نوشته‌است اما تنها هفت اثر او به دست ما رسیده که یکی از آنها «آژاکس» است. این هفت اثر همگی بر پایه اسطوره و تاریخ بنا شده‌اند و همگی به جز «آژاکس» ساختاری مثل آثار آشیل و اورپید، دو نمایش‌نامه‌نویس هم‌عصر سوفکل، دارند. عباس اکبری در بخشی از پیش‌گفتارش به این نکته اشاره کرده که سوفکل در مقایسه با آشیل، تأکید اصلی را بر یک شخصیت قرار داد و از نقش همسران در نمایش کاست. شخصیت‌های او پیچیده‌اند و از نظر روان‌شناسی، انگیزه‌های روشن و مشخصی دارند. او قهرمانانی نجیب دارد که البته به خطی نیستند.

غمش ناشی از آن است که منتظر چیزی است یا نه؟ خسروبیگ همیشه منتظر چیزی بود، اما آن چیست؟ آن چیزی که در همه‌جا مصرانه دنبالش می‌گشت، در هر صدا، در هر نگاه، در هر رنگ در خانه یا تلفن، چیزی که خسروبیگ همیشه در تلاش برای یافتنش است و نمی‌تواند پیدایش کند و همیشه منتظر استت تا پیدایش کند؟ در واقع چیزی که منتظرش است شاید هیچ اسمی ندارد، اما او هم مثل همه آدم‌های غمگین انتظارش را می‌کشد. منتظر چیزی است که اسمی ندارد، اصلا به فکر خودش شاید وجود هم ندارد. جذابیت داستان از جایی شروع می‌شود که خسروبیگ یک روز با زنی اهل اسکاتلند آشنا می‌شود که با بدین او احساس می‌کند بدنش جان می‌گیرد. «مردن آسان‌تر از دوست‌داشتن است» عنوان یکی دیگر از رمان‌های احمد آلتان است که این نیز مدتی پیش با ترجمه سیف‌الدینی در نشر نو به چاپ رسیده بود.

اخیرا کتاب تازه‌ای هم از مجموعه «کتابخانه تاریخ طبیعی» نشر نو منتشر شده که «بچه‌خملی‌ها» نام دارد. «همه‌چیز درباره گربه‌سانان جهان» عنوان فرعی این کتاب است که به صورت مشترک توسط فیونا سان‌کوئیست و مل کلنکوئیست نوشته شده و کاوه فیض‌اللهی آن را به فارسی برگردانده است. ملوین سان‌کوئیست استاد بازنشسته گروه بوم‌شناسی و حفاظت حیات وحش در دانشگاه فلوریدا و عضو گروه متخصصان گربه‌سانان در اتحادیه جهانی حفاظت طبیعت است. همسرش فیونا سان‌کوئیست درباره طبیعت برای خواننده عمومی می‌نویسد. سان‌کوئیست‌ها بیبر، پلنگ، گربه طلایی آسیایی و گربه پلنگی را در آسیا، یوز و گربه طلایی آفریقایی را در آفریقا، کراور، شیر کوهی، پلنگچه، وشق سرخ و گربه شیلی را در آمریکا و در زیستگاه طبیعی‌شان بررسی کرده‌اند. این کتاب خواننده را با تمام اعضای خانواده گربه‌سانان آشنا می‌کند؛ از گربه‌های کوچک دوکیلوگرمی تا غول‌های ۲۵۰کیلوگرمی. خواهید دید که گربه‌ها در چهار گوشه جهان، از مناطق استرک گرفته تا بیابان‌های داغ، چه راه‌حل‌هایی برای مسائل زندگی یافته‌اند. جقدر با هم متفاوت‌اند و با این حال در زیبایی، شکوه و پنهان‌کاری بسیار به هم شبیه‌اند. و در نهایت اینکه چه خطراتی آنها و زیستگاهشان را تهدید می‌کند. ضمنا به برخی از پرسش‌های مهمشگی شما نیز پاسخ می‌دهد: چرا شیرهای نر یال دارند؟ آیا ببر سیاه وجود دارد؟ چرا جگوار آدم‌خوار نداریم؟ چگونه سگ‌ها می‌توانند به حفاظت از گربه‌ها کمک کنند؟ آیا نگهداری گربه در خانه باعث حساسیت می‌شود؟ چرا گربه‌ها نمی‌توانند گیاه‌خوار شوند؟ آیا گربه‌ها مزه شیرینی را حس می‌کنند؟ مترجم کتاب در یادداشت ابتدایی‌اش درباره دلیل ترجمه و انتشار این اثر نوشته: «کتاب کنونی از آن رو برای ترجمه در مجموعه کتابخانه تاریخ طبیعی انتخاب شده که به زمانی ساده و عمومی نوشته شده و یک کتاب جانورشناسی تخصصی نیست. روی جلد کتاب اصلی عبارت هر آنچه همیشه می‌خواستید درباره گربه‌ها بدانید نوشته شده، اما این توصیف بیشتر مناسب کتاب دیگری است با عنوان گربه‌های وحشی جهان که سان‌کوئیست‌ها در سال ۲۰۰۲ منتشر کرده‌اند. آنها در آن کتاب بزرگ در ۴۵۰ صفحه دست‌نوشته در قطع رحلی که باز از سوی انتشارات دانشگاه شیکاگو منتشر شده هر آنچه درباره چرخه زندگی، رفتار و بوم‌شناسی گونه‌های خانواده گربه‌سانان را که آن زمان شناخته‌شده بود یکجا گرد آورده‌اند. اگر واقعا می‌خواهید مطالعات خود درباره گربه‌ها را گسترش دهید، از سطح اطلاعات عمومی فراتر روید و به خواننده‌ای تخصصی تبدیل شوید، باید به آن کتاب مراجعه کنید.»



همه را سرر حال آورده، مدت‌ها بود چنین اقبالی نصیبمان نشده بود. آشیز با آن کله درازش التماس‌مان می‌کند که بساز هم بخوریم؛ او به هرکس که از جلوش می‌گذرد با ملاقه تعارف می‌کند که بیشتر غذا بردارد. نمی‌داند چطور دیگش را برای تهیه قهوه خالی کند. تیان و مولر دو کماجdan تهیه کرده و آنها را از لوبیا و گوشت انباشته‌اند. تیان اعتقاد دارد این کار شکم‌چرانی است اما مولر این کار را عاقبت‌نگری می‌داند. اینکه تیان این همه غذا را می‌خواهد کجا جا بدهد معمایی است، چون مثل ترکه نازک است. از اینها مهم‌تر توزیع جیره مضاعف دخانیات است. برای هر نفر ده سیگار برگ، بیست سیگار معمولی و دو مشت تنباکوی چوبدنی منظور شده؛ و این عادلانه است. من تنباکو را با سیگارهای کاتچینسکی عوض کردم. یعنی حالا چهل سیگار دارم. این برای یک روزم کافی است. البته ما مستحقاق چنین بدل و بخشی از نارداریم. بروسی‌ها این همه دست‌ودل‌باز نیستند. باید از اشتباهی در محاسبه ممنون باشیم.»

در جبهه غرب خبری نیست، اریش ماریا رمارک، ترجمه رضا جولایی، نشر چشمه

